

صدیقه دولت آبادی زنی پیشتاز در عرصه فعالیت های اجتماعی - الهه باقری

در طول تاریخ ایران، تعصبا و حساسیتهایی وجود داشته که موجب محدود کردن زنان گردیده است. گرچه تاریخ نشان میدهد که زنان در طول سالیان متمادی، نقش بسزایی را در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و... داشتهاند و نقش آنان در تاریخ معاصر ایران، نقش بیبدیل و غیر قابل انکاری است، اما نقش آفرینی و پایداری آنان با دشواریهای خاصی روبرو شده و همین دشواریها و چالشها زمینه کاملاً مساعدی را برای کسب کامل حقوق نیمی از افراد جامعه فراهم نیاورده است. شیرزنان بسیاری بودند که جهت برچیده شدن قدرت مطلقه و استبداد فعالیت میکردند و هنوز هم در صفحات تاریخ، از فداکاری و قهرمانی هایشان نام و نشانی وجود ندارد و همچنان گمنام ماندهاند.

صدیقه دولت آبادی (۱۳۱۰-۱۳۲۱ ه. ش) از زمره این زنان است که فعالیت برای احقاق حقوق زنان را از سالهای پایانی سلطنت قاجار آغاز کرد و در دوره پهلوی نیز در این زمینه فعال ماند. نقش و تأثیر او در جنبش زن ایرانی بر یک منوال نبود و با فراز و نشیبهایی همراه شد. وی فرزند حاج میرزا هادی دولتآبادی و از پیشگامان جنبش اجتماعی زنان در ایران بود که در زمینه آموزش، آگاهی دادن به زنان، انتشار روزنامه و مبارزه در راه حقوق زنان کارهای ارزشمندی را انجام داده است. فعالیت اجتماعی دولت آبادی با عضویت در «انجمن آزادی زنان» از انجمنهای فعال در عصر مشروطه، آغاز شد. وی برای نخستین بار در اصفهان، مدرسه دخترانه «مکتب خانه شرعیات» را با هدف سواد آموزی به دختران تأسیس و با عزمی راسخ برای آزادی زنان قیام کرد و در این راه تهمت های زیادی را متحمل شد. در شانزده سالگی با دکتر اعتضاد الحکماء ازدواج کرد. پدرش حاج میرزا هادی دولتآبادی، ضمن عقد زناشویی اختیار طلاق را از داماد گرفته و به دخترش داد. صدیقه دولت آبادی در نیمه شب ششم مردادماه سال ۱۳۲۱ ه. ق/۴۳۱ ه. ش/۱۹۶۱ م. در اثر سرطان درگذشت و در قبرستان کوچکی در قلعهک به خاک سپرده شد.

دستاوردهای صدیقه دولت آبادی برای زنان

صدیقه دولت آبادی در خانوادهای فرهیخته، تحت سرپرستی پدری فهیم و مادری روشنفکر پرورش یافت. شالوده فکری، فرهنگی وی از دوران کودکی شکل گرفت، آنجا که پدر از او میخواهد چون برادرانش به تحصیل بپردازد تا در جامعه آن روز ایران جایگاهی درخور به دست آورد. وی فراگیری دانش را همراه برادرانش آغاز کرد و اندک اندک راه پیشرفت را پیمود. در جامعه سنتی آن روز ایران به تحصیلات خود در داخل و خارج از کشور ادامه داد و دستاوردهایش را برای خدمت به کشورش به کار بست. وی عقیده داشت رنجی که زنان در خانواده همچنین در جامعه خود متحمل میشوند ناشی از عدم آموزش است. بنابراین عقیده، آموزش و تغییرات را از شخص خود همچنین زنان خانواده آغاز کرد، سپس وارد عرصه های مختلف اجتماعی شده برای آموزش زنان، قدمهای اساسی برداشت. نخستین اقدامات وی در جهت تأسیس مدارس برای دختران بود. از اصفهان آن روز تا تهران که پایتخت محسوب میشد با مخالفتهای شدید اقشار مختلف و حتی گروهی از زنان مواجه شد اما با وجود تهدیدات، اهانتها و اقدامات جدی برای بستن مدارس از پای ننشست. در راستای آگاهی دادن به زنان، روزنامه زبان زنان را تأسیس کرد و باز هم با وجود کارشکنی های مختلف، به انتشار آن ادامه داد. گرچه در خلال انتشار آن بارها دستگیر شد. یکی از رموز موفقیت وی در انتشار زبان زنان، نوشتن و تنظیم مطالب براساس مقتضیات جامعه آن روز ایران، همینطور، دیگر مقتضیات طبیعی انسان بود. به عنوان مثال: هیچگاه ازدواج، تشکیل خانواده و مادر شدن را نفی نکرد بلکه در جهت هر چه بهتر شدن زندگی زناشویی تلاش کرد. در کنار بحثها و آگاهیهای خانوادگی، از اطلاعات سیاسی - اجتماعی نیز فروگذار نکرد. انتقاد از قراردادهای مختلف بسته شده با دول خارجی، حمایت از دولت دکترمصدق و انتقاد از عملکرد کلی دولت نیز از نکات بارز نوشته شده در روزنامه زبان زنان بود. در عرصه اجتماعی نیز تأسیس و عضویت در انجمن های مختلف زنان، از مهمترین فعالیت های او بود.

انتشار نشریه «زبان زنان» و راه اندازی مدرسه و انجمن برای زنان آن روز که عوامل پُر نفوذ آن روزها درس خواندن را زمینه ساز فساد میدانستند، کار کم دردسری نبود. فعالیت های اجتماعی و مقالههایی که در نشریه «زبان زنان» منتشر میشد گاهی برای صدیقه دولت آبادی مشکلاتی فراهم می آورد. هر چند که او فعالیت های خود را در تعارض با حکومت وقت نمیدانست، اما چندبار بازداشت شد. فعالیتهای دولت آبادی به مسائل زنان محدود نبود و دیگر حوزههای اجتماعی را نیز در برمیگرفت. او که تا آخر عمر ریاست کانون بانوان ایران را برعهده داشت. در دوران نخست وزیری محمد مصدق و جنبش ملی شدن صنعت نفت با تمام همکاران خود با این جنبش همراه شد. مبارزات مسالمت آمیز صدیقه دولت آبادی برای احقاق حقوق از دست رفتهی زنان بود. از جمله: تأسیس مدارس دخترانه، روزنامه و مجله برای بیان دیدگاههای خود و اهمیت مبارزات او در پیگیری و تداوم و همچنین فارغ از هرگونه رفتار خشونت آمیزی بود. که در تمامی حوزه ها به خصوص فرهنگی و اجتماعی دنبال شد. عمدهترین مشخصه مبارزات صدیقه دولت آبادی توجه زیاد او به فرهنگ و همین طور تلاش برای بالابردن فرهنگ عام جامعه و بخصوص زنان بود. فعالیت های دولت آبادی باعث شکل گرفتن

این نظریه شد که بالابردن فرهنگ عمومی جامعه، اصل اول مبارزه علیه ظلم بر زنان است که با گذشت سالها هنوز از اهمیت این موضوع کاسته نشده است. روزنامه ها و مجلات و مقالاتی که در آن منتشر میکرد، بر ارتقاء رشد فرهنگی و سیاسی زنان تأثیر بسزایی می گذاشتند. از دیگر مشخصه های مبارزات صدیقه دولتآبادی گسترش روزنامه ها و مجلات مختص زنان بود که برای اولین بار و پس از دوران مشروطه اتفاق افتاد و فرآیند جنبش زنان را به جامعه شناساند. اهمیت این روزنامه ها و مجلات و مقالاتی که در آن منتشر میشدند، بالابردن آگاهیهای زنان و آشنایی آنها با حقوق و شرایط خاص جامعه خود بود. مجموعه مقالاتی که در این روزنامه منتشر میشدند بر ارتقاء رشد فرهنگی و سیاسی زنان تأثیر بسزایی می گذاشتند. این بود شرح مشقات و زحمات زنی خدمتگزار که در محیط متعصب آن روز اصفهان برای ترقی و تعالی بانوان قیام کرد، مجله و روزنامه منتشر نمود، به اروپا رفت، در رشته تعلیم و تربیت معلومات خود را کامل نمود و پس از بازگشت با وجود هزاران مشکلات و موانع معلومات خود را به نفع جامعه بهکار برد.

فعالیت های اجتماعی - فرهنگی زنان در این دهه تنها از سوی قشر خاصی از زنان مورد استقبال قرار گرفت. چرا که محیط این گونه فعالیتها به صورتی بود که هر زنی نمیتوانست در آن به فعالیت بپردازد. افکار عمومی و هنجارهای اجتماعی در آن دوران با حضور فعالیت های اجتماعی زنان مخالف بود و حتی برخی از روحانیون، مخالف حضور زنان در انقلاب مشروطه بودند. فعالیت های اجتماعی - فرهنگی با چالشهایی مواجه بود. وی که شخصیتی نوگرا بود. در فعالیت های اجتماعی - فرهنگی دوران خود نقش موثری ایفا کرد، در آغاز افکار نو بیشتر در جامعه شهری و طبقات نسبتاً مرفه تر استقبال می شد و عملکرد صدیقه دولت آبادی و تلاش های او به توسعه روند نوگرایی منجر شد.

همیشه یاد و خاطره آن زنانی در تاریخ زنده است که نخستین و دشوارترین گامها را در این راه برداشتند. جامعهی آن روزگار، نمیتوانست سنت شکنی های دولتآبادی را تحمل کند، به همین لحاظ به انواع گوناگون به آزار و اذیتش می کوشیدند و تهمت های زیادی به او نسبت میدادند. زنان نیمی از جمعیت یک کشور و جامعه را تشکیل میدهند که همواره با توجه به این حجم وسیع که مبتنی بر ظرافت آنها است، نادیده انگاشته شدهاند زن ایرانی باید بداند که زمان، زمان تحول است، باید معرفت و دانش و فکرش را پرورش دهد و خودش را برای سازندگی یک جامعه در حال گذار و متحول آماده سازد. امروزه نیز وظیفه زنان فرهیخته است که در راه شناسایی و احقاق حقوق خود قدم برداشته و بدانند که چه میخواهند و از چه راه میتوانند به مقصود خود برسند. شاید مهمترین وظیفه امروز زنان متعهد این باشد که با تلاش و کوشش جلو سوء برداشتها از مقولاتی چون تساوی زن و مرد را گرفته و سعی در تفهیم این مسئله بنمایند که صحبت از برابری حقوق زن و مرد یعنی «برابر کردن حقوق انسانی» و نه ایجاد سوء تفاهم در بین جامعه. این قبیل فعالیت های زنانی چون صدیقه دولت آبادی باعث گشت تا این باور عمومی، در بین روشنفکران شکل بگیرد که، شخصیت از دست رفته زن ایرانی را باید خود زنان بازگردانند. زنان ایرانی باید بدانند که در چه جایگاه و موقعیتی قرار دارند، تا بتوانند شخصیت اجتماعی شان را که در شرایط موجود تحقق بخشند.